

امام شناسی در محضر حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام - اصغر غلامی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دهم، شماره ۳۹ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۰ - ۳۷

امام شناسی در محضر حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

اصغر غلامی*

چکیده: در این گفتار، مطالبی از امام رضا علیه السلام تحلیل می‌شود در این زمینه که: امامت منصبی الهی است و اختلاف مردم درباره جایگاه آن، ناشی از جهلی است که به اندیشه بشری متکی است. خداوند با انتصاب امام در غدیر خم دین کاملی را به مردم عرضه کرد. شأن امام واجب الطاعة بودن است که مستلزم عصمت می‌باشد و مردم قدرت تشخیص و شناخت فرد معصوم را ندارند. مقام امامت حضرت ابراهیم بعد از نبوت ایشان برتری مقام امامت به عنوان جانشینی خداوند در زمین را نشان می‌دهد. امام در امور دینی و دنیایی مردم نقش هدایت‌گری دارد و همچون خورشید نورانی، سرچشمه هدایت و نجات‌بخشی از تباهی و گمراهی است. امام، امین و حجت خدا بر خلق، خلیفه در بلاد، دعوت‌کننده به سوی خدا، معصوم، خزانه دار علم الهی، و با حلم و بردباری مایه انسجام دین و عزت مسلمین است. مهمترین عامل مخالفت با امامت الهی، حسادت و فریب شیطان معرفی شده که عاقبت آن، آتش دوزخ خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: امامت / عصمت / شناخت امام / امام- ویژگی‌ها / حکم عقل / جهل / مخالفت با امام /

امام رضا علیه السلام ° احادیث مربوط به امامت.

*. دانشجوی دوره دکترا کلام امامیه، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

مرحوم کلینی در کتاب الحجه از کافی شریف، بابی با عنوان "باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته" گشوده و در این باب، دو حدیث آورده است. حدیث اول کلمات حضرت امام رضا علیه السلام در جمع اصحاب است که در بدو ورود به مرو بیان فرموده‌اند. این حدیث، طولانی و حاوی نکات دقیق و عمیق بسیاری درباره امام شناسی است که شرح و بسط آن بدون اغراق نیازمند تألیف کتابی مستقل و بزرگ است. اما در این گفتار، مروری اجمالی بر آن داریم و نکاتی در حاشیه و توضیح آن بیان می‌شود.

کلام سراسر نور حضرت امام رضا علیه السلام را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد. آن حضرت در ابتدا بیان می‌دارد که گزینش امام از سوی مردم در برابر معرفی امام الهی از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مبنی بر جهالت است قوای ادراکی بشر از دسترسی به حقیقت، امامت کوتاه است. بخش دوم حدیث شریف، دلایل متعدد بر این مدعا ارائه می‌کند، از جمله عظمت مقام امامت و اختصاص آن به معصوم، نقش و جایگاه امام در امور دینی و دنیایی مردم، ابعاد وجودی امام و ویژگی‌های خاص امام الهی.

امام رضا علیه السلام با تبیین این دلایل، بر اختصاصی و الهی بودن مقام امامت و ویژگی‌های امام تأکید می‌کنند و بر ناممکن بودن شناخت و انتخاب امام از سوی مردم استدلال فرموده‌اند.

در بخش دیگری از سخنان امام رضا علیه السلام به آثار سوء رویگردانی از گزینش الهی و روی آوردن به آراء فریبنده‌ی بشری در انتخاب امام اشاره شده است. حضرت امام

رضاء علیه السلام در بخش چهارم از کلام نورانی خویش پس از اثبات مدعا و بیان آثار سوء تخلف از آن، مجدداً بر نفی حق انتخاب امام از سوی مردم تأکید فرموده‌اند. بخش پایانی این حدیث نورانی را می‌توان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کل فرمایشات حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام شمرد.

۱- جهل، عامل اصلی عدم معرفت امام

حضرت امام رضا علیه السلام مهمترین عامل اختلاف درباره امامت را جهل قوم معرفی می‌کند. براساس کلام آن حضرت، سبب این جهل قوم، اتکا به اندیشه‌ها و آراء خودشان است که به تعبیر ایشان، اختلاف کنندگان در امر امامت فریب آراء خود را خورده‌اند. عبدالعزیز بن مسلم می‌گوید:

کنا مع الرضا علیه السلام بمرور، فاجتمعنا فی الجامع یوم الجمعة فی بدء مقدمنا، فأداروا أمر الامامة و ذکروا کثرة اختلاف الناس فیها. فدخلت علی سیدی علیه السلام، فأعلمته خوض الناس فیہ، فتبسم علیه السلام، ثم قال: یا عبدالعزیز! جهل القوم و خدعوا عن آرائهم

ما به همراه امام رضا علیه السلام در مرو بودیم که روز جمعه در آغاز ورودمان به این شهر، در مسجد جامع آن جمع شدیم. بحث امامت را مطرح ساختند و کثرت اختلاف مردم درباره آن را یادآور شدند. من بر آقای خویش (حضرت امام رضا علیه السلام) داخل شدم و ایشان را از فرو رفتن مردم در این بحث خبر دادم. آن حضرت تبسم کردند، سپس فرمودند: ای عبدالعزیز! قوم دچار جهل شده و فریب آراء خود را خورده‌اند.

جهل در احادیث دو کاربرد دارد، گاهی در مقابل عقل و گاه در مقابل علم به کار می‌رود. به عنوان مثال در حدیث شریفی که لشکریان عقل و جهل معرفی شده‌اند، جهل

در مقابل عقل به کار رفته است. در همان حدیث شریف، جهل به عنوان یکی از لشکریان جهل، در مقابل علم به عنوان یکی از لشکریان عقل معرفی شده است (ر.ک: کافی ۱/ ۲۱-۲۳، خصال، ص ۵۸۹-۵۹۱، علل الشرایع، ص ۱۱۳-۱۱۵). بر این اساس جهلی که در مقابل علم قرار دارد، غیر از جهل در مقابل عقل و از لشکریان آن است.

البته جهل گاهی به معنای بی اطلاعی و ناآگاهی و گاه به معنای عدم پای بندی به لوازم معرفت به کار می رود، چنان که در عرف و نیز عرف فارسی زبانها هم چنین است. به عنوان مثال، در عرف، هم به کسی که از روی ناآگاهی نسبت به مضرات سیگار، اقدام به استعمال آن می کند، نادان گفته می شود و هم به کسی که با آگاهی از این مطلب سیگار می کشد. اطلاق نادان در مورد نخست، به معنای ناآگاهی است و در مورد دوم، به معنای پای بند نبودن به لوازم دانش.

به نظر می رسد جهلی که حضرت امام رضا علیه السلام به قوم نسبت می دهند، جهل در برابر عقل و به معنای عدم پای بندی به لوازم درک عقل است. عقل سلیم به روشنی حکم می کند که امامت منصبی الهی و شناخت آن خارج از حیطه درک اوست، لذا نظریه پردازی در این باره، مخالفت با حکم عقل و پای بند نبودن به لوازم درک عقل است. بدین روی امام رضا علیه السلام نظریه پردازی و اختلاف قوم درباره امامت را جهل قومی می دانند که فریب آراء خود را خورده اند.

۲- معرفی امام الهی توسط پیامبر اکرم ﷺ

دیدیم که حضرت امام رضا علیه السلام علت اختلاف مردم درباره امامت را جهل ناشی از اتکاء به اندیشه خودشان معرفی فرمودند. آنگاه بلافاصله تعیین امام از سوی خداوند و معرفی

امام الهی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را یادآور شدند، این امر را کمال دین شمردند و تأکید کردند که هرکس گمان کند خدای بزرگ دینش را کامل نکرده، کتاب خدا را رد کرده و کافر است. امام رضا علیه السلام می فرمایند:

ان الله عزوجل لم يقبض نبيه صلی الله علیه و آله حتى اكمل له الدين و انزل عليه القرآن، فيه تبیان كل شیء، بین فيه الحلال و الحرام و الحدود و الاحكام و جميع ما يحتاج اليه الناس كله. فقال عزوجل: (ما فرطنا فی الكتاب من شیء). و انزل فی حجة الوداع، و هی آخر عمره صلی الله علیه و آله: (اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً). و امر الامامة من تمام الدين و لم يمض صلی الله علیه و آله حتى بین لأمته معالم دينهم، و اوضح لهم سبيلهم، و تركهم على قصد سبيل الحق، و اقام لهم عليا عليه السلام علماً و اماماً. و ما ترك لهم شيئاً يحتاج اليه الأمة الا بينه. فمن زعم ان الله عزوجل لم يكمل دينه، فقد رد كتاب الله. و من رد كتاب الله، فهو كافر به.

به راستی خدای عزوجل جان پیامبرش را نگرفت تا این که دین را برای او کامل ساخت، و قرآن را برای او نازل فرمود که در آن بیان هر چیزی هست. و در آن، حلال و حرام و حدود و احکام و همه آنچه را که مردم بدان نیازمندند، به صورت کامل بیان کرد و فرمود: "ما در این کتاب از هیچ چیزی فرو گذار نکردیم". و در حجة الوداع - که در آخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله بود - نازل فرمود: "امروز دین شما را برای شما کامل ساختم و نعمت ام را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم". و امر امامت از تمام دین است. و پیامبر از دنیا رفت تا اینکه همه معالم دین امت را برای آنان بیان کرد، راهشان را روشن ساخت، آنها را بر جادة حق واداشت و علی علیه السلام را به عنوان پیشوا و امام آنان قرار داد. و از هیچ چیزی که امت بدان نیازمندند، صرف نظر نکرد مگر اینکه آن را بیان فرمود. پس هر کس

گمان کند که خدای عزوجل دین خود را کامل نساخته، در حقیقت کتاب خدا را رد کرده و هر کس کتاب خدا را رد کند، به او کافر است.

حضرت امام رضا علیه السلام تأکید می‌فرمایند که خداوند، دین را برای پیامبر کامل ساخت و قرآن را - که در آن همه چیز بیان شده- برای او فرو فرستاده و در نتیجه هر آنچه را که مردم بدان نیازمند هستند، به صورت کامل به پیامبرش عطا فرمود.

می‌دانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول حیات شریف خود، به دلیل محدودیت‌های فراوان موجود، نتوانست همه معارف دین و علوم قرآن را به همه امت خویش تعلیم دهد. اما خداوند دین خود را برای آن حضرت کامل ساخت و بیان هر چیزی را با قرآن برای آن حضرت فرو فرستاد. البته دست مردم از فراگیری همه آنچه بدان نیازمندند، کوتاه ماند و علم قرآن نیز نزد آنان نبود تا با بهره‌گیری از آن همه معالم دینشان را دریابند. لذا خداوند برای کامل ساختن دین مردم و اتمام نعمت بر آنان، مقام امامت را قرار داد تا امام الهی، دین کامل را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرا گیرد و با عالم شدن به جمیع علوم قرآن، راه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در بیان حلال و حرام و حدود و احکام ادامه دهد، و آنچه را مردم بدان نیازمندند - از معالم دینشان - به آنها بیاموزد و آنان را به راه حق رهنمون گردد.

به همین جهت امام رضا علیه السلام تأکید می‌فرمایند که امر امامت از تمام دین است. و زمانی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان امام الهی معرفی شد، دین کامل به مردم ابلاغ شد. پس هر کس بر این باور باشد که خداوند دین خود را کامل نساخته، در حقیقت کتاب خداوند را رد کرده و کافر شده است.

۳- کوتاهی قوای ادراکی بشر، از دسترسی به حقیقت امامت

عقل سلیم به روشنی حکم می‌کند که شناخت حقیقت امامت، خارج از حیطة ادراک بشر است. لذا نظریه‌پردازی درباره امامت و قائل شدن حق انتخاب امام برای مردم، مخالفت با حکم عقل است. حضرت امام رضا علیه السلام بعد از یادآوری تعیین امام از سوی خداوند، به بیان ضرورت این کار می‌پردازند. آن حضرت می‌فرمایند:

هل يعرفون قدر الامامة و محلها من الامامة، فيجوز فيها اختيارهم؟! ان الامامة اجلّ قدرا و اعظم شأنًا و اعلى مكانا و امنع جانبا و ابعد غورا من أن يبلغها الناس بعقولهم أو ينالوها بأرائهم او يقيموا اماما باختيارهم.

آیا موقعیت و جایگاه امامت را در میان امت می‌دانند تا انتخاب ایشان در آن جایز باشد؟! امامت اندازه‌ای فراتر و جایگاهی سترگ‌تر و موقعیتی بالاتر و آستانی فراتر و ژرفایی فروتر از آن دارد که مردم با عقل خودشان به آن برسند، یا با رأی و نظر خود آن را درک کنند، یا به انتخاب خود امامی بگمارند.

براساس تعالیم نورانی اهل بیت علیهم السلام امامت به معنای وجوب طاعت و حق امر و نهی است (بصائر الدرجات ۵۰۹/۱، مختصر البصائر ۱۹۲/۱، بحار الانوار ۱۴۲/۲۵). حق امر و نهی به طور مطلق، از آن خداوند است و تنها او می‌تواند چنین حقی را به دیگری عطا کند (ر ک: مفهوم امامت در پرتویه ابتلای حضرت ابراهیم علیه السلام، فصلنامه سفینه، ش ۱۷، ص ۱۲۰). لذا امام کسی است که از سوی خداوند منصوب شده و اطاعتش به صورت مطلق بر بندگان واجب است (معانی الاختیار/ ۶۴). بر همین اساس تاکید شده که امامت عهدی از ناحیه خداوند است که به شخص معین واگذار می‌شود (بصائر الدرجات ۴۷۲/۱، بحار الانوار ۷۲/۲۳).

از سوی دیگر، وجوب طاعت مطلق مستلزم عصمت است، زیرا اگر امام واجب الاطاعة معصوم نباشد و صدور گناه و عروض سهو و نسیان در او جایز باشد، ممکن است - به اشتباه یا از سر فراموشی و لغزش یا به عمد - به چیزی امر کند که خدا از آن نهی فرموده، پس اطاعت امر او اطاعت امر خداوند نخواهد بود، و اطاعت از او نه تنها به طور مطلق واجب نیست بلکه جایز هم نیست (رک: امامت، ص ۱۰-۱۱). لذا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام امر به اطاعت از رسول و ائمه علیهم السلام را به خاطر عصمت ایشان دانسته است (وسائل الشیعه ۱۲۹/۲۷).

روشن است که مردم قدرت تشخیص فرد معصوم و برگزیده الهی را ندارند در نتیجه نمی‌توانند با اتکاء به اندیشه خام و فکر ناتمام خود درباره امامت نظر دهند و برای خود امام برگزینند و خداوند نیز چنین اجازه‌ای به آنان نداده است. پس هر کس براساس فکر خود درباره امامت سخن بگوید ° چنان که امام رضا علیه السلام فرمودند ° فریب رأی خویش را خورده و دچار جهل شده است.

۴- امامت برتر از نبوت

حضرت امام رضا علیه السلام برای تأکید بر عظمت و بلندی مقام امامت یادآور می‌شوند که پیامبر بزرگی همچون ابراهیم خلیل، با اینکه مقامی بسیار بالا نزد خداوند متعال داشت، فاقد مقام امامت بود. و هنگامی به این مقام دست یافت که به توفیق الهی، امتحانات و ابتلائات سخت و دشوار الهی را با صبر و شکیبائی پشت سر نهاد. امام رضا علیه السلام

می‌فرمایند:

ان الامامة خصّ الله عزوجل بها ابراهيم الخليل بعد النبوة والخلة، مرتبة ثالثة و فضيلة شرفه بها و أشاد بها ذكره، فقال: "انى جاعلك للناس اماما"
 امامت مقامی است که خدای عزوجل بعد از این که ابراهیم خلیل علیه السلام را به عنوان پیامبر و خلیل خود برگزید، او را به مرتبه امامت مخصوص گردانید. و فضیلتی بود که او را به آن مشرف داشت و او را بدان مقام، بلند آوازه ساخت و فرمود:
 "بدرستی که من تو را برای مردم امام قرار دادم"

۵- اختصاص امامت به ذریه معصوم حضرت ابراهیم علیه السلام

براساس کلام حضرت امام رضا علیه السلام اهمیت و عظمت مقام امامت به قدری است که حضرت ابراهیم علیه السلام پس از دستیابی بدان، از فرط شادمانی، از خداوند خواست این مقام را برای برخی از افراد خاندان او نیز قرار دهد. اما خداوند با نفی امامت هر ظالمی تا روز قیامت، بر اختصاص این مقام به برگزیدگان پاک تأکید فرمود، و با جعل امامت در ذریه معصوم و برگزیده حضرت ابراهیم علیه السلام او را گرامی داشت. امامت همواره در ذریه ابراهیم علیه السلام جریان داشت و صاحبان این مقام در هر دوره‌ای از هم ارث می‌بردند، تا اینکه امامت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید. حضرت امام رضا علیه السلام با استناد به آیه شریفه (ان اولی الناس بابراهیم للذین اتبعوه و هذا النبی و الذین آمنوا و الله ولی المومنین)^۱ می‌فرمایند:

فكانت له خاصّة فقلدها صلی الله علیه و آله علیاً علیه السلام بامر الله تعالی علی رسم ما فرض الله، فصارت فی ذریته الأصفیاء الذین آتاهم الله العلم و الايمان بقوله تعالی: (و قال الذین اوتوا العلم و

۱. آل عمران ۶۸: به راستی سزاوارترین مردم به ابراهیم، پیروان اویند و این پیامبر و کسانی که ایمان آوردند. و خداوند ولی مومنان است.

الایمان لقد لبثتم فی کتاب الله الی یوم البعث) (روم ۵۶) فهی فی ولد علی علیه السلام خاصة الی یوم القيامة، اذ لا نبی بعد محمد ﷺ. فمن این یختار هؤلاء الجهال؟! پس مقام امامت به پیامبر اکرم ﷺ اختصاص داشت، و به دستور خدای تعالی آن را به علی علیه السلام واگذار ساخت، آن چنان که خدای تعالی آن را واجب کرده بود. سپس این مقام به خاندان او منتقل گردید که خداوند به ایشان علم و ایمان عطا فرموده بود، براساس این گفته خدای تعالی: "و گفتند کسانی که به آنها علم و ایمان داده شد ..." بدین روی امامت تا روز قیامت، به طور خاص در فرزندان علی علیه السلام است، چرا که بعد از محمد ﷺ پیامبری نیست. این جاهلان از کجا برای خود امام برمی گزینند!؟

در این قسمت نیز حضرت امام رضا علیه السلام به لزوم عصمت امام و ضرورت معرفی امام معصوم از سوی خداوند تأکید می کنند و گزینش امام از سوی مردم را غیرممکن می دانند.

امام علیه السلام مجدداً کسانی را که فریب اندیشه خود را خورده و از قبول امام برگزیده الهی سر باز زده اند، جاهل معرفی کرده اند.

۶- عظمت مقام امامت

حضرت امام رضا علیه السلام پیشتر فرموده بودند: قدر امامت بالاتر و جایگاه آن سترگ تر و موقعیتش بالاتر و اطرافش دست نیافتنی تر از آن است که مردم با عقل خود به آن دست یابند. در اینجا به تبیین عظمت این مقام می پردازند و می فرمایند:

إن الامامة هی منزلة الانبياء و ارث الاوصياء. ان الامامة خلافة الله و خلافة الرسول ﷺ، و مقام امیر المؤمنین علیه السلام، و میراث الحسن و الحسین علیهما السلام

به راستی امامت جایگاه انبیا، و ارث اوصیاء است. به درستی که امامت، جانشینی خدا و جانشینی رسول خدا ﷺ، مقام امیرالمومنین علیؑ و میراث حسن و حسین علیهما السلام است.

امام رضا علیؑ در بیان عظمت مقام امامت، به برتر بودن این مقام از نبوت تأکید کرده و فرموده بودند: پیامبر بزرگی همچون حضرت ابراهیم نیز با اینکه نبی و خلیل خدا بود، و مقامی والا نزد خداوند داشت، فاقد مقام امامت بود و امامت در ظرف نبوت و رسالت به ایشان عطا شد. در این عبارت نیز امام علیؑ امامت را مقامی شایسته انبیا معرفی می‌کنند و یادآور می‌شوند که این مقام جانشینی خداوند و رسول الله در زمین است که تنها امیرالمؤمنین و اولاد معصوم ایشان علیهم السلام شایستگی این مقام را دارند.

۷- نقش امامت در امور دینی و دنیایی مردم

امام رضا علیؑ در ادامه، به بیان اهمیت و نقش امامت در امور دینی و دنیایی مردم پرداخته می‌فرمایند:

ان الامامة زمام الدين و نظام المسلمين و صلاح الدنيا و عز المؤمنین. ان الامامة اساس الاسلام النامی و فرعه السامی. علوم انسانی و مطالعات فقهی
به راستی امامت، زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مومنین است، امامت ریشه بالنده اسلام و شاخه بلند آن است.

آن حضرت در ادامه کلام، امام را سبب شایسته فرائض دینی همچون نماز، زکات، روزه، حج و جهاد معرفی می‌کنند. نیز امام را مایه فراوانی فیء و صدقات و عامل اجرای حدود و احکام و حفاظت از مرزها و نواحی اسلام می‌دانند و می‌فرمایند:

الامام یحلّ حلال الله و یحرّم حرام الله و یقیم حدود الله و یدبّ عن دین الله، و یدعو الی سبیل ربه بالحکمة و الموعظة الحسنة و الحجّة البالغة.

امام حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می‌داند، حدود خداوند را بر پا می‌دارد، از دین خدا دفاع می‌کند و با حکمت و پند نیکو و دلیل رسا به راه پروردگار خویش می‌خواند.

۸- ابعاد وجودی امام

امام رضا علیه السلام امام را همچون خورشید فروزانی معرفی می‌کند که به نور خویش جهان را نورانی می‌سازد. در حالی که خود او در افقی دور دست قرار دارد، به گونه‌ای که دست‌ها و چشم‌ها به او نمی‌رسند. براساس کلام آن حضرت، امام، ماه تابنده، چراغ فروزنده، نور پرتو افکن و ستاره هدایتگر در تاریکی شب‌ها و سرگردانی شهرها و بیابان‌ها و گرداب دریاهاست. امام آب گوارایی برای تشنگی، راهنما برای هدایت و نجات بخش از تباهی است. امام آتشی بر تیه و گرما بخشی برای کسانی است که به دور او گرد آمده‌اند و در دره‌های هلاکت راهنماست. پس هرکس از او جدا شود، هلاک می‌شود. امام ابری بارنده، بارانی شدید، آفتابی فروزنده، آسمانی سایه افکن، زمینی گسترده، چشمه‌ای جوشنده، آبگیر و باغ سرسبز است.

سرانجام امام رضا علیه السلام نسبت امام به مومنان را چنین بیان می‌فرماید:

الامام الأئیس الرفیق و الوالد الشفیق و الاخ الشفیق و الأمّ البرة بالوالد الصغیر و مفرع العباد فی الداهية الناد.

امام انیسی رفیق، پدری مهربان، برادری دلسوز و همچون مادری است که به نوزاد کوچک خویش نیکی می‌کند. و پناهگاه بندگان در هنگام ترس و پیشامدهای ناگوار است.

۹- اوصاف و ویژگی‌های امام

امام رضا علیه السلام برای امام الهی اوصاف و ویژگی‌هایی را بر می‌شمارد به شرح زیر:

۹-۱. امین خدا در میان خلق و حجت خدا بر بندگان

خداوند دستورات و احکام خود را نزد ائمه به امانت سپرده تا به مردم برسانند و بدین وسیله حجت را بر بندگان تمام کنند. حجت در لغت به معنای دلیل و برهان است (لسان العرب ۲/۲۲۸). پس حجت خدا، باید ویژگی‌هایی داشته باشد که با وجود آن، هیچ اشکال و اعتراضی بر خدا وارد نشود و خرده‌گیری از طرف مردم ممکن نگردد (رک: امامت ۸۷). یکی از این ویژگی‌ها، امانت دار بودن است که با عصمت تحقق می‌یابد. ویژگی دیگر، دارا بودن علمی فراتر از دانش همه خلق است. امام رضا علیه السلام در ادامه به این دو ویژگی نیز اشاره می‌کند.

۹-۲. خلیفه خدا در بلاد

خلیفه در لغت، به معنای کسی است که به دنبال دیگری می‌آید، به جای او می‌نشیند و کارهای او را انجام می‌دهد (النهایه ۲/۶۹، العین ۴/۲۶۷، معجم مقاییس اللغه ۲/۲۱۰). جوهری کسی را که دارای سلطنت و فرمان‌روایی باشد، خلیفه می‌داند (الصحاح ۴/۱۳۵۶). لذا به کسی که از سوی خداوند دارای سلطنت و حق امر و نهی می‌شود، خلیفه الله می‌گویند. در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز خلافت به عنوان مقام الاهی معرفی شده است (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷، عبون

اخبار الرضا عليه السلام (۱۳۹/۲). منظور از خلیفه الله بودن امامان عليه السلام این نیست که آنان در غیبت خداوند بر مسند او تکیه می‌زنند و کارهای او را انجام می‌دهند، بلکه منظور آن است که خداوند به آنها حق امر و نهی و سلطنت عطا فرموده بی آنکه مستلزم سلب و کاستی از سلطنت مطلق خود او باشد (رک: دلالت حدیث منزلت بر مقام فرض الطاعه، فصلنامه سفینه، ش ۱۳، ص ۷۴-۷۵). خلافت الهی به این معنا نیز مستلزم علم و عصمت است، چنان که توضیح آن پیشتر گذشت.

۹-۳. دعوت کننده به سوی خدا و مدافع حرم خدا

براساس تعالیم نورانی اهل بیت عليه السلام خداوند، معرفت خود را به همه بندگان خویش عطا فرموده و آنها را به معرفت خویش مفطور ساخته است. اما بندگان در این دنیا از این معرفت غافلند. مشیت خداوند بر این تعلق گرفته که امامان عليه السلام را اسباب تذکار بندگان قرار دهد و بندگان با تذکر ایشان به خداوند توجه پیدا کنند. به همین جهت حضرت امام رضا عليه السلام دعوت به سوی خدا را به عنوان یکی از ویژگی‌های امام می‌شمارد.

امام رضا عليه السلام یکی دیگر از ویژگی‌های امام را صیانت و دفاع از حرم خداوند می‌داند. شاید مراد از حرم خداوند، همان دین الهی باشد. بدیهی است یکی از وظایف مهم پیامبران، ابلاغ دستورات و معارف الهی و حفظ و صیانت از آن است. این وظیفه بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر دوش امامان معصوم عليه السلام نهاده شده است (رک: امامت ۴۸-۵۲).

۹-۴. پاکی از گناهان و مبرا بودن از عیوب (عصمت)

ویژگی‌هایی همچون امین و حجت و خلیفه خدا بودن و دعوت به دین الهی و دفاع از آن، همگی مستلزم عصمت امام و دوری او از گناه و سهو و نسیان و خطا هستند. بر همین اساس امام رضا علیه السلام بر معصوم بودن امام الهی یعنی پاکی او از گناهان و مبرا بودنش از هر عیبی تأکید می‌فرمایند.

عصمت در لغت به معنای حفظ و منع است (لسان العرب ۱۲/۴۰۳). و معصوم کسی است که به واسطه خدا از همه محارم الهی امتناع می‌کند (معانی الاخبار/ ۱۳۲). به عبارت دیگر، معصوم مورد تأیید خداوند و مصون از خطاها و لغزش‌ها و انحراف‌ها است (کافی ۱/۲۰۳). غیبت نعمانی/ ۲۲۱). البته اختیار دارد و بر انجام گناه و خطا قدرت دارد، اما هرگز دچار گناه و اشتباه نمی‌شود.

۹-۵. اختصاص علم به امام

از آنجا که امام حجت بر خلق است، باید علم او فراتر از همه خلق باشد تا در پاسخ هیچ مسأله‌ای در نماند. و چون مبین و مدافع دین الهی است، باید از همه به دین داناتر باشد (بحارالانوار ۶۵/۳۹۰). همچنین لازمه عصمت، بهره‌مندی از علمی است که امام به واسطه آن کُنه وجودی هر چیز و تمام آثار و پیامدهای آن را به عیان مشاهده کند و با آگاهی کامل از قبح گناه و پیامدهای آن به سوی گناه نرود. لذا امام در روایات، عالمی معرفی شده که جهل در او راه ندارد و خداوند از علم مخزون خویش چیزی به ایشان عطا کرده که به دیگران نداده است. پس علم امامان علیهم السلام فراتر از دانش همگان است؛ خداوند چشمه‌های حکمت را در قلب امام جاری می‌سازد و علم را به او الهام می‌کند.

لذا او در جواب هیچ سؤالی فرو نماند و از راه درست در حیرت نمی‌افتد (کافی ۲۰۱/۱-
۲۰۲، احتجاج ۲/۴۳۶).

۹-۶. موسوم به حلم

خداوند امر تربیت و هدایت بندگان را به امام سپرده و این کار، نیازمند بردباری
مافوق تصور بشر عادی است. لذا امام باید حلم و بردباری متناسب با این امر را داشته
باشد و خداوند با اعطای علم فراوان و معصوم به امام، او را به این درجه از حلم نیز
رسانده است. در نتیجه امام الهی موسوم به حلم است.

۹-۷. نظام دین و عزت مسلمین

افراد جامعه همچون دانه‌های تسیح هستند که اگر کسی در رأس امورشان نباشد،
اجتماعشان از هم خواهد پاشید (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶). در جامعه دینی امام همچون نخ
تسیحی است که مومنان را به هم می‌آورد و موجب انتظام دین می‌گردد (بحارالانوار ۱۰۷/۶).
در جامعه دینی باید همه افراد در محدوده شریعت عمل کنند و از آن فراتر نروند، زیرا
تجاوز از این حدود، موجب تباهی دین و جامعه دینی است. عمل در محدوده دین نیز
ممکن نیست، مگر اینکه خداوند شخصی امین بر بندگان خویش نصب کند تا آنها را
در امور مباح نگه دارد و از تجاوز و داخل شدن محرمات باز دارد. در صورت عدم
نصب چنین شخصی، هیچ کس از منفعت خویش دست بر نمی‌دارد، حتی اگر موجب
تباهی دیگران شود. لذا خداوند امام را به عنوان قیمی بر بندگان قرار داده تا آنها را از
تباهی باز دارد و احکام الهی را در بیان آنها اقامه کند (عیون اخبار الرضا علیه السلام ۹۹/۲-۱۰۰). گرد
آمدن به دور امام الهی که موجب انتظام دین خداست، به طور قطع عزت دینداران را
به دنبال می‌آورد.

۹-۸. مایه خشم منافقان و هلاکت کافران

نظام دین و عزت مسلمین برای منافقان ناخوشایند است، لذا امام الهی مایه خشم منافقان است. چنان که متدینان به گرد او جمع شوند و جامعه دینی نظام و اقتدار یابد، کافران معاند نیز در صورت عدم تسلیم در برابر این جامعه هلاک خواهند شد.

حضرت امام رضا علیه السلام همه ویژگی‌های یاد شده را در دو سطر چنین بیان فرموده‌اند:

الامام امین الله فی خلقه، و حجه علی عباده، و خلیفته فی بلاده، و الداعی الی الله، و الذاب عن حرم الله. الامام المطهر من الذنوب و المبرأ من العیوب، المخصوص بالعلم، الموسوم بالحلم، نظام الدین و عز المسلمین و غیظ المنافقین و بوار الکافرین.

امام، امین خدا در میان خلق او، حجت خدا بر بندگان، خلیفه او در بلاد، دعوت کننده به سوی خداوند، و مدافع حرم الهی است. امام از گناهان پاک و از عیوب مبرا است، علم به او اختصاص دارد و مرسوم به حلم است. نظام دین و عزت مسلمین و سبب خشم منافقان و هلاکت کافران است.

۱۰- اختصاصی و الهی بودن مقام امامت و ویژگی‌های امام

براساس آنچه گذشت، امامت منصبی الهی است و خداوند به امام ویژگی‌هایی عطا فرموده که فراتر از حد درک بشر عادی است (رک: منصب امامت مقامی بشری یا فرا بشری، مجله کلام اسلامی، ش ۷۳، صص ۸۶-۱۱۲). پس هرگز نمی‌توان او را با انسان‌های معمولی مقایسه کرد.

حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

الامام واحد دهره، لا یدانیه احد، ولا یعادله عالم و لا یوجد منه بدل و لا له مثل و نظیر، مخصوص بالفضل کله من غیر طلب منه له و لا اکتساب، بل اختصاص من المفضل الوهاب.

امام یگانه روزگار خویش است، احدی با او برابر نیست، عالمی با او برابری نمی‌کند، بدلی از او یافت نمی‌شود و مثل و نظیری ندارد. خداوند همه فضیلت را به او اختصاص داده است، بدون اینکه درخواستی از سوی امام برای آن باشد و بدون تحصیل، بلکه از ناحیه (خدای) فضیلت بخش عطا کننده بدان اختصاص یافته است.

۱۱- ناممکن بودن شناخت و انتخاب امام برای مردم

امام رضا علیه السلام بیان می‌کند که امام از سوی خدا تعیین و توسط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله معرفی شده است. نیز جایگاه بلند و عظمت مقام امامت را توضیح می‌دهد، نقش امامت در امور دینی و دنیایی مردم، ابعاد وجودی و اوصاف و ویژگی‌های امام را تشریح می‌کند، بر اختصاصی و الهی بودن مقام امامت و ویژگی‌های امام تأکید می‌کند. آنگاه روشن می‌سازند که چرا نظریه پردازی و اختلاف درباره امامت را نشانه جهل قوم معرفی کرده و قوای ادراکی بشر را از دسترسی به حقیقت این مقام کوتاه دانسته‌اند. آن حضرت پس از اثبات این ادعا با دلایل روشن و محکم، مجدداً بر آن تأکید می‌کنند و می‌فرمایند:

فمن ذا الذی یبلغ معرفة الامام او یمكنه اختیاره؟ هیهات، هیهات، ضلّت العقول، و تاهت العلوم، و حارت الالباب، و خسئت العیون، و تصاغرت العظماء، و تحیرت الحكماء، و تقاصرت الحكماء، و حصرت الخطباء، و جهلت الألباء، و كلت الشعراء، و عجزت الأدباء و عیبیت البلغاء عن وصف شأن من شأنه أو فضیلة من فضائله، و أقرت بالعجز و التقصیر. و کیف یوصف بکله أو ینعت بکنهه او یفهم شیء من امره أو یوجد من یقوم مقامه و یغنی غناه، لا، کیف و أنى؟ و هو بحیث النجم من ید المتناولین و وصف الواصفین. فأین الاختیار من هذا؟ و این العقول عن هذا؟ و این یوجد مثل هذا؟

پس چه کسی است که به شناخت امام برسد و انتخاب امام برای او ممکن باشد؟ هیئات هیئات. خردها گم، خاطرها در حیرت، مغزها سرگردان، چشمها بی‌فروغ، بزرگان کوچک، حکیمان در حیرت، خردورزان ناتوان، خطیبان در تنگنا، هوشمندان نادان، شاعران گنگ، ادیبان درمانده، سخن‌دانان بی‌زبانند از وصف شأنی از شئون امام یا بیان فضیلتی از فضائل او؛ و همگی به ناتوانی و کوتاهی معترفند. چگونه می‌توان همه ویژگی‌های امام را توصیف کرد یا به وصف کنه او رسید یا چیزی از امر او را فهمید یا کسی را که در آن مقام قرار می‌گیرد، یافت و حاجت مربوط به او را برآورده ساخت؟ نه. چگونه و از کجا چنین چیزی ممکن است؟ در حالی که او همچون ستاره‌ای دور از دسترس دست‌اندازان و توصیف وصف‌کنندگان است. پس اختیار بشر کجا به این پایه می‌رسد؟ و جایگاه عقل در این امر کجاست؟ و چنین امامی از کجا یافت می‌شود؟

۱۲- آثار سوء رویگردانی از گزینش الهی و اتکا بر آراء فریبنده

حضرت امام رضا علیه السلام پیشتر با استناد به قرآن، تأکید فرموده بودند که امامت به ذریه معصوم حضرت ابراهیم علیه السلام اختصاص دارد، این مقام در نسل ایشان تا حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جریان دارد؛ و به امیرالمؤمنین و فرزندان معصوم ایشان علیهم السلام انتقال یافته است. در اینجا امکان گزینش امام از سوی مردم را به صراحت رد می‌کند، چرا که امامت الهی در خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرار دارد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

أَتظنّون أن ذلك يوجد في غير آل الرسول محمد صلی الله علیه و آله و سلم؟

آیا گمان برید که آن مقام در غیر آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم یافت می‌شود؟

آن حضرت با نفی امامت غیر آل رسول ﷺ، پیامدها و آثار سوء رویگردانی از گزینش الهی و تن ندادن به ولایت امامان الهی علیهم السلام را یاد می‌کند، و می‌فرماید:

كذبتهم و الله انفسهم و منتهم الأباطيل، فارتقوا مرتقى صعبا دحضا نزل عنه الى الحضيض
اقدامهم، راموا اقامة الامام بعقول حائرة باثرة ناقصة و آراء مضلة، فلم يزدادوا منه الا بعداً.
قاتلهم الله أنى يوفكون. و لقد راموا صعبا و قالوا افكا و ضلوا ضلالا بعيدا و وقعوا فى الحيرة،
إذا تركوا الامام عن بصيرة.

به خدا سوگند خودشان خود را تکذیب کنند و آرزوهای باطل برند و به گردنه بلند لغزنده (و پرتگاهی) قدم نهند که قدمهایشان به دره پست بلغزد. خواستند با خردهای سرگردان و نارسا و ناقص و آراء گمراه کننده خویش، امامی بگمارند. پس جز دوری از مقصد بهره‌ای نبردند. خداوند آنها را بکشد! تا کی دروغ می‌گویند؟ به پرتگاه دشواری در آمدند، دروغ یافتند، سخت به گمراهی افتادند و در حیرت و سرگردانی قرار گرفتند، آنگاه که آگاهانه امام را ترک کردند.

پیشتر بیان شد که حضرت امام رضا علیه السلام جهل قوم را عامل اصلی عدم معرفت امام و اختلاف درباره امامت معرفی فرمودند. در آنجا اشاره شد که مراد از جهل، مخالفت با درک عقل است. عبارت اخیر امام علیه السلام مؤید این مطلب است که فرمودند: گرفتاری‌های قوم به آثار سوء رویگردانی از گزینش الهی، آنگاه دامنگیر آنان شد که آگاهانه امام الهی را ترک کردند. حضرت علی بن موسی علیه السلام با استشهاد به آیه شریفه (و زین لهم الشیطان اعمالهم فصدّهم عن السبیل و كانوا مستبصرین)^۱. عامل رویگردانی از انتخاب خدا و

۱. عنکبوت / ۲۸: شیطان کارهایشان را در برابر شان آراست و آنها را از راه به در برد با آنکه حق جلوی چشمتان بود.

رسول ﷺ را فریب خوردن از شیطان دانسته‌اند. آن حضرت برای اثبات گمراهی آنان می‌فرماید:

از گزینش خدا و گزینش رسول خدا ﷺ و اهل بیت ایشان (علیهم‌السلام) به انتخاب خویش روی گرداندند، در حالی که قرآن به آنها ندا می‌کند: (و ربک یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیرة سبحان الله عما یشرکون)^۱ و می‌فرماید: (و ما کان لمؤمن و لا مومنة اذا قضی الله و رسوله امرا ان یکون لهم الخیرة من امرهم)^۲. امام رضا (علیه‌السلام) سپس در برابر قوم، به خاطر عدم تدبر در قرآن و تن ندادن به حکم خدا درباره امامت، آیات زیر را قرائت فرمودند: آیات ۳۶-۴۱ سوره ی قلم، آیه ۸۷، سوره توبه، آیه ۹۳، سوره بقره، آیه ۲۴ سوره محمد، آیات ۲۰-۲۳ سوره انفال.

و در نهایت با استناد به آیه شریفه (فضل الله یوتیه من یشاء والله ذوالفضل العظیم)^۳ امامت را غیراکتسابی و فضلی از سوی خداوند معرفی می‌کنند.

۱۳- تأکیدی دوباره بر نفی حق انتخاب امام از سوی مردم و ادله آن

امام رضا (علیه‌السلام) مجدداً هرگونه اختیار و حق انتخاب مردم در تعیین امام را نفی می‌کنند و می‌فرمایند:

پس چگونه ممکن است مردم در انتخاب امام اختیار داشته باشند در حالی که امام:

۱. قصص/۶۸: و پروردگار تو می‌آفریند آنچه را که می‌خواهد و برمی‌گزیند. آنها را حق گزینش نیست پاک و منزّه است خداوند از آنچه شرک می‌ورزند.
۲. احزاب/۳۶: هیچ مرد و زن مومنی حق ندارد که وقتی خدا و رسول او به امری حکم کردند، اختیاری درباره امرشان داشته باشند.
۳. حدید/۲۱: فضل خداوند است که به هرکس بخواهد عطا می‌کند و خداوند صاحب فضل عظیم است.

۱- عالمی است که جهل در او راه ندارد.

۲- سرپرستی است که از بار مسئولیت شانه خالی نمی‌کند

۳- معدن قداست و پاکیزگی و نور و زهد و علم و عبادت است

۴- دعوت رسول خدا ﷺ به او اختصاص دارد (رسول خدا ﷺ مردم را تنها به

سوی او می‌خواند)

۵- از نسل حضرت مطهره بتول است

۶- در نسب او هیچ نقطه تاریکی نیست

۷- هیچ صاحب شرافتی از قریش در بیت به او نزدیک نمی‌شود

۸- از کنگره رفیع هاشم است

۹- از عترت رسول خدا ﷺ است

۱۰- مورد رضایت خدای عزوجل است

۱۱- شرف اشراف است

۱۲- شاخه‌ای از عبد مناف است

۱۳- رشد دهنده علم است

۱۴- حلم او کامل است

۱۵- مملو از امامت است

۱۶- عالم به سیاست است

۱۷- اطاعتش واجب است

۱۸- قیام کننده به امر خداوند است

۱۹- خیر خواه بندگان خداست

۲۰- حافظ دین الهی است

حضرت امام رضا علیه السلام باز هم بعد از برشمردن ویژگی‌های امام بر اختصاصی و الهی بودن علم ایشان تأکید می‌کنند و می‌فرمایند:

ان الانبياء و الائمة صلوات الله عليهم يوفقههم الله و يؤتيتهم من مخزون علمه و حكمه ما لا يؤتيه غيرهم، فيكون علمهم فوق علم اهل الزمان. خداوند به پیامبران و امامان صلوات الله عليهم توفیق می‌دهد و از مخزون علم و حکمت‌های خویش به آنان چیزهایی عطا می‌فرماید که به غیر ایشان نمی‌دهد، پس علم ایشان بالاتر از علم اهل زمان است.

آن حضرت سپس آیاتی را قرائت می‌فرماید که در آنها به لزوم عالم بودن امام هدایتگر اشاره شده و از اعطای علم به پیامبران و حجت‌های خداوند سخن به میان آمده است.^۱ امام رضا علیه السلام همچنین یادآور می‌شوند که آیه (انزل عليك الكتاب و الحكمة و عملك ما لم تكن تعلم و كان فضل الله عليك عظيما)^۲ درباره پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله نازل شده است.

۱۴- مُلک عظیم

آن حضرت همچنین فرمودند:

و قال في الائمة من اهل بيت نبيه و عترته و ذريته صلوات الله عليهم: (ام يحسدون الناس على ما آتاهم الله من فضله فقد آتينا آل ابراهيم الكتاب و الحكمة و آتيناهم ملكا عظيما فمنهم من آمن به و منهم من صد عنه و كفى بجهنم سعيرا).

۱. آیاتی که امام رضا علیه السلام قرائت فرموده‌اند، عبارتند از: آیه ی ۳۵ سوره ی یونس، آیات ۶۶۹ و ۲۴۷ سوره ی بقره.
۲. نساء/۱۳۳: کتاب و حکمت را بر تو فرو فرستاد، و آنچه را نمی‌دانستی به تو تعلیم داد. و فضل خداوند بر تو سترگ است.

و درباره امامان از اهل بیت و عترت و ذریه پیامبرش صلوات الله علیهم فرمود: "آیا به مردم حسد می‌ورزند به خاطر آنچه خداوند از فضل خویش به ایشان عطا کرده است؟ البته ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به ایشان ملک و سلطنتی عظیم عطا کردیم، پس گروهی از مردم به آن ایمان آورده و برخی از آنان رویگردان شدند و همین بس که جهنم آتشی افروخته است."

ملک در لغت به معنای سلطنت و استیلا همراه با حق تصرف است (مجمع البحرین ۲۹۰/۵، المحکم و المحيط الاعظم ۵۴۷). در قرآن مجید نیز ملک به معنای آمریت و سلطنت به کار رفته است (بقرة ۲۴۷، زحرف ۵۱) و احادیث ملک عظیم را امامت و فرض الطاعة معنی کرده‌اند (بصائر الدرجات / ۳۵ و ۵۰۹، کافی ۲۰۶/۱، کتاب سلیم بن قیس هلالی / ۴۲، امالی صدوق / ۵۲۲، تفسیر نور الثقلین ۴۵۹/۴). به نظر می‌رسد وصف "عظیم" بیانگر ذو مراتب بودن ملک است، یعنی صاحب ملک عظیم مرتبه بالاتر استیلا را دارد. همچنین ممکن است وصف "عظیم" از آن جهت باشد که گستره ملک ائمه علیهم‌السلام عظیم‌تر از درک و تصور ماست (رک: بررسی مفهوم امامت در پرتوایه ی ملک عظیم، مجله سفینه، ش ۱۵، ص ۶۸-۶۹).

حضرت امام رضا علیه‌السلام با تصریح به نزول آیه ملک عظیم درباره امامان اهل بیت علیهم‌السلام چند نکته مهم را بیان کرده‌اند.

اول اینکه ائمه اهل بیت علیهم‌السلام از نسل حضرت ابراهیم خلیل هستند و خداوند در آیه امامت حضرت ابراهیم علیه‌السلام، ضمن نفی امامت ظالم، بر اختصاص این مقام به برگزیدگان پاک از فرزندان حضرت ابراهیم علیه‌السلام تأکید فرموده است.

نکته دوم اعطایی بودن مقام امامت است، چرا که خداوند در این آیه از اعطای این مقام سخن گفته است.

سومین نکته تأکید بر عظیم بودن مقام امامت است، تا آنجا که اندیشه‌های ناقص بشری از درک آن ناتوان است.

نکته چهارم اینکه مهمترین عامل مخالفت با امامت الهی اهل بیت علیهم‌السلام در این آیه حسادت معرفی شده است، یعنی همان عاملی که سبب عصیان متکبران شیطان و رانده شدن او از درگاه الهی شد.

پنجمین و آخرین نکته نیز این که سرنوشت مخالفت کنندگان با امام الهی ورود به دوزخ است.

نتیجه‌گیری

عبارات پایانی حدیث نورانی حضرت امام رضا علیه‌السلام را می‌توان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کل کلمات آن حضرت در این حدیث شریف شمرد. امام رضا علیه‌السلام در این عبارات یادآور می‌شوند که امامت الهی مستلزم خصوصیات و ویژگی‌هایی است که خداوند، پیش از اعطای این مقام به بنده برگزیده خویش عطا می‌کند. مهمترین ویژگی‌ها شرح صدر، علم و حکمت و عصمت است. براساس کلام امام رضا علیه‌السلام امام الهی با دارا شدن این ویژگی‌ها حجت خدا بر بندگانش و شاهد او بر خلق می‌شود. این مقام با چنان ویژگی‌هایی فضل خداوند متعال است که به هر که خواهد می‌دهد، اما مردم هرگز قادر به گزینش چنین فردی از میان خود نیستند و برگزیده آنها نیز به هیچ وجه از ویژگی‌های یاد شده بهره‌ای ندارد تا او را پیش بیاندازند.

به همین جهت رویگردانی از انتخاب الهی و روی آوردن به گزینش مردم، در حقیقت سرکشی و پشت سرانداختن کتاب خداوند است و سرکشان و مخالفت کنندگان با قرآن، سزاوار ذمّ و نکوهش و نگوینبختی هستند.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

ان العبد اذا اختاره الله عزوجل لامور عباده، شرح صدره لذلك و اودع قلبه ينابيع الحكمة، و ألهمه العلم إلهاماً، فلم يعى بعده بجواب و لا يحير فيه عن الصواب. فهو معصوم مويد موفق مسدد، قد أمن من الخطايا و الزلل و العثار، يخصّه الله بذلك ليكون حجته البالغة على عباده و شاهده على خلقه. و ذلك فضل الله يؤتیه، يشاء و الله ذو الفضل العظيم. فهل يقدرّون على مثل هذا فيختارونه؟ أو يكون مختارهم بهذه الصفة فيقدمونه؟ تعدوا - و بيت الله - الحق و نبذوا كتاب الله وراء ظهورهم كأنهم لا يعلمون.

و فی کتاب الله الهدی و الشفاء، فنبذوه و اتبعوا أهواءهم، فذمهم الله و مقتهم و أتعسهم، فقال جل و تعالی: (و من أضلّ ممن اتبع هواه بغير هدی من الله ان الله لا یهدی القوم الظالمین)، و قال: (فتعسا لهم و أضلّ أعمالهم)، و قال: (کبر مقتا عند الله و عند الذین آمنوا كذلك یطبع الله على کل قلب متکبر جبار)

و صلی الله على النبی محمد و آله و سلم تسلیما کثیرا.

به راستی چون خدا بنده‌ای را برای اصلاح کار بندگان خود برگزیند، به او شرح صدر بخشد، در دلش چشمه‌های حکمت و فرزاندگی بجوشاند، و دانش خود را از راه الهام به او آموزد که در پاسخ به هیچ پرسشی در نماند و از حق و حقیقت سرگردان نشود، زیرا از طرف خداوند معصوم است و مشمول کمک و تایید او است.

از خطا و لغزش و برخورد ناصواب در امان است، خدا او را بدین صفات اختصاص داده تا حجت بالغه بر هر کدام از خلقش باشد که او را درک کند.

این فضل الهی است که به هر که خواهد عطا کند، و خدا صاحب فضل بزرگی است. آیا بشر قادر است که چنین امامی برگزیند؟ یا منتخب آنها دارای چنین صفاتی بوده که او را پیش انداخته‌اند؟ به حقّ خانه خدا که تعدی کردند و قرآن را پشت سرانداختند، گویی که مطلب را نمی‌دانند، هدایت و شفا در کتاب خدا است که پشت بدان دادند و پیرو هوای خود شدند و خدا آنها را نکوهید و دشمن داشت و (به کیفر کردارشان) به بدختی گرفتار ساخت.

و فرمود (۵۰ سوره قصص): "کیست گمراه‌تر از آنکه پیرو هوس خویش است، بی‌رهبری از جانب خدا، به راستی خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند"

و فرمود (۳۵ سوره غافر): "بزرگ است در دشمنی نزد خدا و آنها که گرویدند، همچنان خدا بر دل هر متکبر جباری مُهر زند".

و صلی الله علی محمد و آله و سلم تسلیم کثیرا.

منابع

۱. نهج البلاغه
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهایة فی غریب الحدیث والأثر*، تحقیق طاهر احمد زاوی و محمود محمد طنّاحی. القاهرة، داراحیاء الکتب العربیة، ۱۳۸۷ق.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل، *المحکم والمحیط الاعظم*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
۴. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، تصحیح عبدالسلام محمدهارون، القاهرة، مکتبة مصطفی البابی الحلبی واولاده، ۱۳۸۶ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۸ق.پ.
۶. بیابانی اسکوثی، محمد، *امامت*. تهران، نیا، ۱۳۹۰ش.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصّحاح*، تحقیق احمد بن عبدالغفور عطار، مصر، دارالکتب العربی.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة*، تهران، مکتبة الاسلامیة، ۱۳۹۵ق.

۹. حلی، الحسن بن سلیمان، مختصر البصائر، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۱.
۱۰. الحویزی، عبد علی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین، تحقیق السیدهاشم الرسولی المحلاتی، قم، موسسه اسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۲-۱۳۷۰ ش.
۱۱. صدوق، محمد بن علی، الامالی، قم، مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ ق.
۱۲. _____، علل الشرایع، تحقیق سیدمحمد صادق بحر العلوم، نجف، منشورات المكتبة الحیدریة و مطبعتها، ۱۳۸۵-۱۹۶۶ م.
۱۳. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق حسین الأعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴-۱۹۸۴ م.
۱۴. _____، معانی الاخبار، تهران، مكتبة الصدوق، قم، مؤسسة دارالعلم، ۱۳۷۹ ق.
۱۵. _____، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. صفار، محمد بن الحسن بن فروخ، بصائر الدرجات، تبریز، شرکت چاپ کتاب تبریز، ۱۳۸۱ ق.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تحقیق السیدمحمدباقر الخراسان، نجف، دارالعمان للطباعة والنشر، ۱۳۸۶-۱۹۶۶ م.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، المكتبة المرتضوية.
۱۹. غلامی، اصغر، مفهوم امامت در پرتو آیه ابتلاى حضرت ابراهیم علیه السلام، فصلنامه سفینه، سال پنجم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۶، ۱۱۵-۱۳۹.
۲۰. _____، دلالت حدیث منزلت بر مقام فرض الطاعة، فصلنامه سفینه، سال چهارم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۵، ۶۷-۹۱.
۲۱. _____، بررسی مفهوم امامت در پرتو آیه ملك عظیم، فصلنامه سفینه، سال چهارم، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۸۶، ۶۶-۹۱.
۲۲. _____، منصب امامت مقامی بشری یا فرابشری، مجله تخصصی کلام اسلامی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، بهار ۱۳۸۹، ۸۶-۱۱۲.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، دارالهجره، ۱۴۰۵ ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، تهران، مؤسسه دارالکتب الاسلامیة.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۲۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تحقیق علی اکبر الغفاری، تهران، مكتبة الصدوق.
۲۷. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق محمدباقر الانصاری الزنجانی الخوئینی، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۵-۱۳۷۳